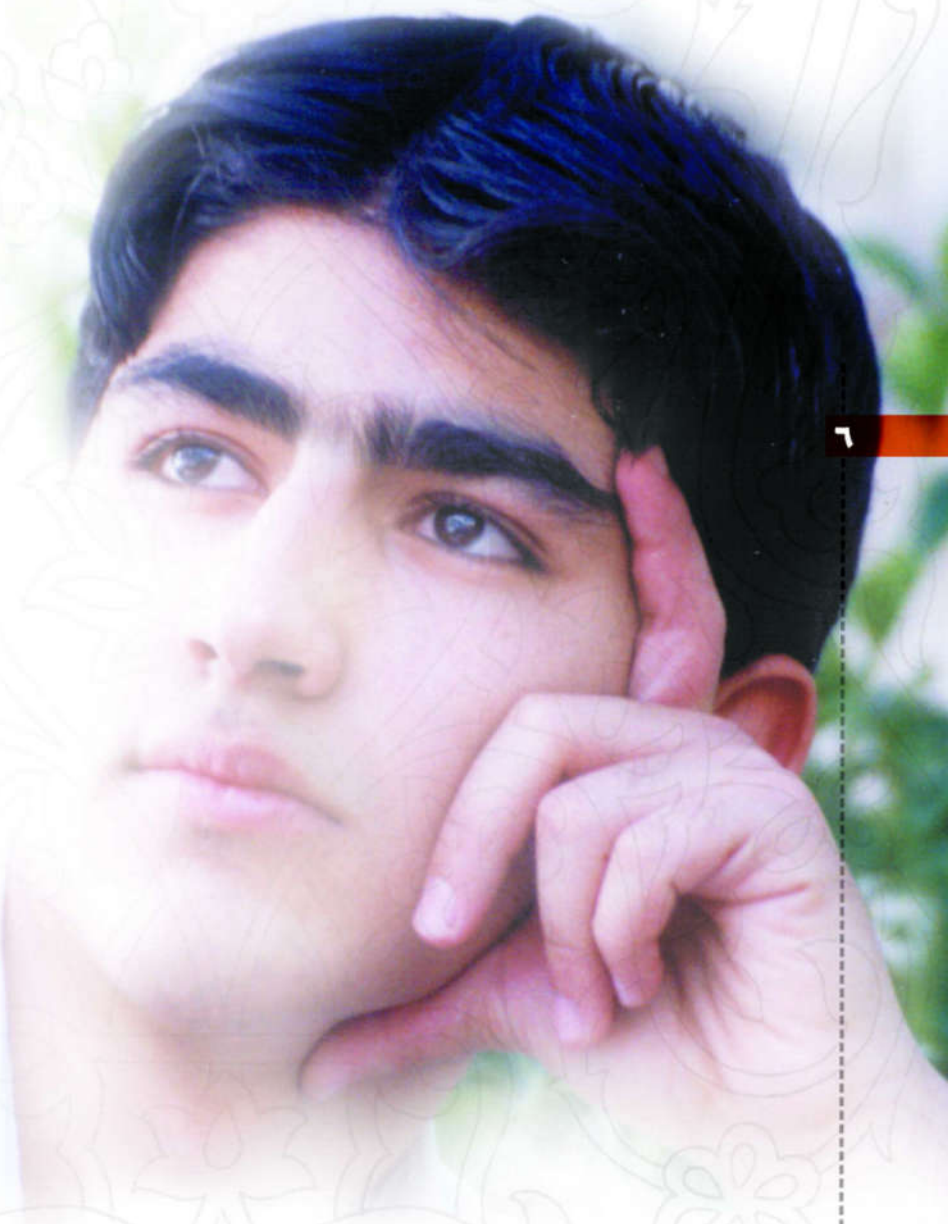


خوب است پندایم که

علی مسعودی



□ به خدا، خدا گویند:

چون اصل واژه «خدا» یعنی «خود آمده» یا «خود آغازکننده» است پس مخفف گردیده و خدا شده است (به این معنی که پدیده‌ای نیست تا پدید آورنده خواسته باشد بلکه ذاتش چنین است که از ازل بوده است بر خلاف مخلوقات عالم که از اول نبوده‌اند و خدا آنها را پدید آورده است) در زبان پهلوی خدا به معنی «خواتای» (شاه و آفریدگار جهان) است. بعضی نیز این کلمه را از اوستایی xvdhaya (hudhaya) مشتق دانسته‌اند و بعضی در وجه اشتقاق خدا گویند:

در پهلوی متأخر xvatay

و در پهلوی اشکانی xvatadh
و در پازند xvadai می‌باشند.^(۱)

□ به پیامبر، نبی می‌گویند:

چون نبی از نبوه = شیء مرتفع است و در اینجا به معنی انسان بلند مرتبه می‌باشد و یا از نبأ به معنی خبر است و در اینجا به معنی کسی است که از جانب خدا خبر می‌دهد، و یا نبی به معنی راه روشن است به این معنی که پیامبر راه روشنی به سوی خدا می‌باشد.^(۲)

□ به حضرت ابراهیم، ابراهیم گویند:

چون اصل ابراهیم «هم فیر» است، یعنی همت گماشت پس نیکی کرد، یا اصل آن هم بالآخره و نیری من الدنیا است، یعنی به آخرت همت گماشت و از دنیا بری شد بعد تخفیف داده شد و به صورت ابراهیم در آمد.^(۳)

بنابر قولی اصل ابراهیم «آبرام» بوده، «آب» به معنی پدر و «رام» به معنی بلند مرتبه و خداوند در سن ۹۹ سالگی نام او را به ابراهیم



گرفت، به او موسی گویند: (۷)

موسی به معنی بیرون کشیده یا گرفته شده است و چون او را از آب بیرون کشیدند، موسی نام نهادند. (۸)

□ به حضرت عیسی (ع)، مسیح گویند:

به خاطر اینکه:

۱- لیسایحه فی الارض (چون برای ارشاد و هدایت مردم از زمین، سیاحت می‌کرد)

۲- چون با دست کشیدن بر هر بیماری، بیمار شفا می‌یافت. (۹)

□ به حضرت علی (ع)، امیر المؤمنین گویند:

چون امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لأنه یبیرهم العلم اما سمعت کتاب الله عزوجل و نمیراهلنا» (۱۰)

یعنی چون علم را به مؤمنان عطا می‌نماید آیا نشنیده‌ای سخن پروردگار را که گوید ما به اهل خود طعام عطا می‌کنیم.

□ به حضرت فاطمه (س)، فاطمه گویند:

«لأنها فطمتُ هن و شیئهن من النار»

فاطمه به معنی بریدن و جدا کردن است و چون خداوند حضرت فاطمه و دوستان او را از آتش جهنم بریده است، به این سبب او را فاطمه می‌گویند.

قول دیگر گویند: «چون خدا او را با علم از شیر و خون حیض در عالم میثاق باز گرفت» و امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لأنها فطمت من الشر» چون از شر جدا شده بود. (۱۱)

قولی دیگر گویند: (به فاطمه، فاطمه می‌گویند) چون از دیگران جدا است (یعنی بی نظیر است) (۱۲)

قول دیگر گویند: چون خداوند، وضع هر چیزی را قبل از اینکه به وجود آید، می‌داند و می‌داند که پیامبر اسلام با قبایلی ازدواج می‌کند که آنان به امر خلافت طمع خواهند کرد، از این جهت موقعی که فاطمه متولد شد، خدای سبحان او را فاطمه نامید و امر خلافت و امامت را برای فرزندان وی قرار داد و بدینوسیله دست آن افرادی که خواهان امر خلافت بودند، قطع کرد. (۱۳)

□ به حضرت فاطمه (س)، کوثر گویند:

چون حضرت فاطمه (س) مصطفی بارز کوثر در آیه «انا اعطیناک الکوثر» می‌باشند. کوثر «یک معنی جامع و وسیعی دارد و آن کثیر و فراوان می‌باشد و چون از نسل حضرت زهرا (س) نه تنها امامان معصوم، بلکه هزاران هزار علمای بزرگ، نویسندگان، فقیهان، محدثان، مفسران و الا مقام و فرماندهان عظیم به وجود آمدند، به ایشان «کوثر» می‌گویند. (۱۴)

□ به حضرت زینب (س)، زینب می‌گویند:

چون زین به معنی «زینت» و آب به معنی «پدر» است و چون حضرت زینب واقعاً زینت پدر بودند، به ایشان زینب گویند.

□ به امام حسن (ع)، حسن گویند:

چون «حسن» به معنی نیکو و زیبارو است خلق ایشان نیز چنین بود و چون امام حسن مجتبی (ع) دارای صورتی نیکو و زیبا بودند، به ایشان حسن می‌گویند.

چون امام حسن (ع) متولد شد، جبرئیل بر رسول خدا (ص) نازل گردید و آن حضرت را مبارک یادگفت و افزود که حق تعالی فرموده است که این مولود را به اسم پسر هارون نام کن حضرت فرمود: که اسم او چه بود؟ جبرئیل گفت: «شتر» آن حضرت فرمود: که زبان من عربی است، جبرئیل گفت: او را حسن نام کن. پس او را «حسن» نام نهاد. (۱۵)

«پدر اقیام» تبدیل کرد. (۵)

□ به حضرت یعقوب، اسرائیل گویند:

اسرا به معنی عید و بنده و ثیل به معنی الله = خدا است بنابراین اسرائیل به معنی بنده خدا می‌باشد. (۶)

□ به حضرت موسی (ع)، موسی گویند:

مور لغت به معنی «آب» و «سی» به معنی درخت است و چون زن فرعون، موسی را در حالی که در جعبه‌ای میان آب و درخت بود،

□ چرا خدا یکی است؟

چون علاوه بر این که تمام انبیای الهی و ائمه معصومین و قرآن و دیگر کتب آسمانی، همه قائل به یکتایی خدا هستند، ادله دیگری هم وجود دارد. از جمله اگر بیشتر از یک خدا وجود داشت، به قول حضرت علی (ع) باید خبری از او به ما برسد و پیغمبری یا کتابی فرستاده باشد.

و در فلسفه هم کاملاً یکتایی خدا به اثبات رسیده است. به این عبارت که خدا واجب الوجود است و اگر غیر از این خدای واجب الوجود، واجب الوجود دیگری باشد یا با هم فرق می‌کنند یا این که فرق نمی‌کنند. در صورت اول ترکیب لازم است و این باطل است چون ترکیبی در واجب الوجود راه ندارد (زیرا ترکیب مستترم حاجت است) و در صورت دوم که با هم فرق نمی‌کنند و از هر جهت یک جور هستند، دیگر دو تا نمی‌شوند، بلکه یکی می‌شوند و آن هم خدای یکتا می‌باشد. (۱۶)

□ چرا از میان معجزات پیامبر اسلام (ص) فقط قرآن معجزه خالده و جاویدان است؟

زیرا معجزات پیامبر (ص) غیر از قرآن، قابل مشاهده برای کسانی است که در زمان پیامبر (ص) در وقت معجزه حاضر بوده‌اند، مانند شق القمر و زنده کردن مرده، ولی دیگر برای غیر آن‌ها قابل مشاهده نیست و فقط از راه اخبار دیگران اطلاع پیدا می‌کنند، ولی قرآن چنین نیست؛ بلکه قرآن در همه زمان‌ها و مکان‌ها تا روز قیامت در دسترس همه بوده و برای همه انسان‌ها امکان دارد تا آن‌را مشاهده نمایند پس به معجزه بودن آن ببرند. (۱۷)

□ چرا قرآن معجزه است؟

زیرا: ۱- اعجاز بیانی دارد. ۲- مشتمل بر معارف عالی‌های است که عقول فیلسوفان و متفکران شرق و غرب را مبهور ساخته است. ۳- استقامت بیان دارد. ۴- تشریع قرآن ممتاز است. ۵- اخبار به غیب می‌دهد. ۶- اسرار هستی را بیان می‌کند. ۷- قصص گذشتگان و... را به نحو احسن بیان می‌نماید. (۱۸)

□ چرا قرآن را بر عرب نازل کرد؟

در جواب این، قرآن می‌فرماید: «اگر ما این کتاب را بر عجم‌ها نازل می‌کردیم، عرب‌ها به خاطر تعصب ناهب‌جا تسلیم می‌شدند». (۱۹)

پی‌نوشت:

۱. لغت نامه دهخدا، ص ۲۰، ص ۳۰۲.
۲. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۱.
۳. علل الشرائع، ص ۳۴.
۴. ادیان بزرگ، ص ۷۳، حسین توفیقی.
۵. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۶.
۶. علل الشرائع، ص ۵۶.
۷. تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، ص ۴۹۶، حسین عمادزاده.
۸. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۱۳.
۹. علل الشرائع، ص ۱۶۱.
۱۰. ره توشه راهبان نور (نوجوانان) سال ۱۳۸۰ -
۱۱. رنجها و فریادهای فاطمه، ص ۲۱، شیخ عباس قمی.
۱۲. فضائل الزهراء، ص ۱۷.
۱۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۶.
۱۴. منتهی الامال، ص ۱۶۰.
۱۵. کشف المراد، ص ۳۵.
۱۶. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۷۱.
۱۷. ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۷۱.
۱۸. شعراء آیه، ۱۹۸ - ۱۹۹.